

تحلیلی تنزیلی بر مؤلفه‌های زمینه‌ساز پوشش اسلامی بانوان در جامعه

۵۵

فصل پژوهی

زینب بهجت‌پور*

چکیده

پوشش اسلامی از جمله موضوعات مورد توجه و پرداخته در میان پژوهشگران است و تلاش کرده‌اند تا راهکارهای عملی و اسلامی ارائه دهند. جهت اجرایی‌سازی هر حکم فقهی، نیازمند مقدمات روشی و محتوایی هستیم. مقاله حاضر تلاش نموده راهکاری نو بر محور مطالعه تنزیلی برای نهادینه‌سازی حکم پوشش اسلامی در جامعه ارائه نماید. در این نوشته با تمرکز بر مؤلفه‌های زیرساخت این ارزش اسلامی، ده شاخصه مهم معرفی و تبیین شده است. به نظر می‌رسد تنها آیه‌ای که به پوشش اسلامی پرداخته آیه ۳۵ سوره احزاب بوده و بر مبنای توجه به دلالت سیاقی این آیه، ده ارزش که زمینه‌ساز پوشش اسلامی در جامعه است، مطرح گردیده که عبارت‌اند از: اسلام، ایمان، اطاعت‌پذیری، صداقت، شکیبایی، خشوع، اعطای صدقه، روزه‌داری، حفظ دامن، ذکر کثیر خداوند. آیات قرآن بیانگر این است که پوشش اسلامی، دستوری انضباطی برای شناخته‌شدن شخصیت اجتماعی - ایمانی زنان و مردان مسلمان بوده و تمایز شخصیت زن مسلمان و منتسب به جامعه اسلامی در پوشش سر و صورت به ترتیبی که در سوره احزاب گفته شده، پدیدار شده است.

واژگان کلیدی: پوشش، زیرساخت پوشش، مطالعه تنزیلی، جامعه.

مقدمه

قرآن با ترکیبی از محتوا و روش مهم‌ترین منبع در اختیار مسلمانان به شمار می‌رود. مردم با راهبری‌های این کتاب آسمانی بسیاری از بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتار تاریک را کنار گذاشته و به باورها ارزش‌ها و رفتارهای نورانی دست یافتند (جمعه: ۲ / ابراهیم: ۲). یکی از موضوعات مورد توجه اسلام، پوشش مردان و زنان مؤمن است. قرآن ضمن بیان کمیت و کیفیت‌هایی برای پوشش اسلامی، از مؤمنان خواسته با این انضباط در اجتماع حضور یابند.

اجتماعی‌شدن معلول درونی‌شدن بسیاری از مفاهیم و عناصر بینشی، گرایشی و رفتاری در اجتماع است. این مجموعه باید به شکلی حکیمانه و با بردباری ضمن توجه به ظرفیت‌های موجود به مخاطبان انتقال یابد، تا روند اجتماعی‌شدن عناصر دینی در زندگی مسلمانان صورت پذیرد. اسلام تکالیف را بر اساس ظرفیت‌های افراد متوجه ایشان می‌نماید؛ «لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶). این مقاله به دنبال تحلیلی تنزیلی در مؤلفه‌های زمینه‌ساز پوشش اسلامی بانوان در جامعه و استخراج مؤلفه‌های مؤثر و روش خاص کتاب آسمانی مسلمانان برای نهادینه‌کردن این ارزش اجتماعی در جامعه است. مراد از مؤلفه عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک چیز است که به معنای اصل و بُن برای آن حساب می‌شود (فرهنگ معین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸) و بدون داشتن آنها نمی‌توان آن چیز را تجزیه و تحلیل کرد. در مقوله پوشش، عناصری زیرساختی عامل شکل‌دهی آن در جامعه را فراهم می‌سازند که بدون آنها تجزیه و تحلیل این موضوع امکان‌پذیر نیست. سؤال اساسی که پژوهش حاضر در صدد پاسخ به آن است، استخراج مؤلفه‌های زمینه‌ساز پوشش اسلامی در جامعه بر مبنای آموزه‌های قرآن است. هم‌سو با این پرسش هدف پژوهش پیش رو ترسیم صراط مستقیم قرآن و روشی است که خدای متعال برای فرهنگ‌شدن حکم پوشش اسلامی در جامعه با نهادینه‌سازی مؤلفه‌های زیرساز پیمود. این پژوهش مریبان و مدیران فرهنگی را قادر می‌کند تا طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی، تربیتی، حقوقی و اجتماعی را در روشی روان و آسان و قابل‌انتساب به خدای متعال سامان دهند و اطمینان کنند که دعوت به ارزش‌های دینی را بر بصیرت برگرفته از دین طراحی داده‌اند: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸).

امر به معروف و نهی از منکر به مرحله‌ای بعد از هنجارشدن و فرهنگ‌شدن هر یک از عناصر دینی از جمله پوشش اسلامی مربوط است و این پژوهش که روش دعوت به خیر (پوشش اسلامی) را بررسی می‌کند، نافی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در این مقوله نیست.

الف. پیشینه و روش پژوهش

تردیدی در اسلامی بودن حکم پوشش نیست. شماری از آیات و انبوهی از روایات، مسلمانان را به پوشش مناسب ترغیب کرده‌اند. فقیهان مسلمان بر اساس منابع اسلامی، پوشش مناسب زن و مرد را تبیین نموده‌اند. احکام پوشش ذیل مباحث مقدمات نماز، احکام نگاه و تماس با دیگران در بحث نکاح آورده می‌شود (طباطبائی یزدی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۵۴۹-۵۵۰/امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۶-۳۳۷/جزیری، ۱۱۴۰، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۳). پوشش اسلامی و پاک‌دامنی چشم و نیز پوشاندن مواضعی که موجب تحریک و احیاناً آسیب پاک‌دامنی می‌شود، موضوع حکم تکلیفی و فتوای فقیهان فرق اسلامی بوده است. بیشتر کتاب‌هایی که تاکنون در این مقوله نگاشته شده‌اند، به تبیین این مهم پرداخته و بیانگر آنند که اسلام با توصیه و درخواست پوشش از مسلمانان بر آن تأکید کرده است. برخی از این کتب به شرح ذیل است: «حجاب و عفاف از دیدگاه قرآن و احادیث» نوشته اعظم یحیی زاده؛ «حقیقت حجاب در اسلام» نوشته شیخ محمد بن مهدی کاظمی خالصی؛ «زن در آینه جمال و جلال الهی» از آیت‌الله جوادی آملی؛ «حجاب و نقش آن در سلامت روان» نوشته مهدی مهریزی و «حجاب از دیدگاه اسلام و ادیان آسمانی» نوشته زینب سادات نوری.

مطالعه و بررسی پژوهش‌ها و تولیدات فرهنگی اسلامی نشان می‌دهد این پژوهش‌ها از نظر مفاهیم، مبانی و سیاست‌ها، و نیز محتوای علمی و برهانی پیشرفت قابل تحسینی داشته‌اند؛ اما از جنبه استناد روش‌ها و راهکارها به متون اصلی دینی توفیق چندانی نیافته‌اند. در این بخش به دلیل وجود تشتت آراء درباره روش‌ها، مدیران و مربیان فرهنگی در انتقال مناسب ارزش‌ها به مخاطبان و ماندگارکردن آنها و یا مبارزه با چالش‌های ماندگاری دچار مشکل هستند. مطالعه در سازمان‌های تبلیغی و دستگاه‌های فرهنگی - تربیتی، شاهد روشن این نقیصه است.

تعدادی از پژوهشگران نیز به روش‌هایی فرهنگی، اجتماعی و حکومتی درباره گسترش عفاف و حجاب، توجه کرده‌اند؛ مهم‌ترین راهکارهای پیشنهاد شده در چند دسته فردی، خانوادگی و اجتماعی مشتمل بر نهادهای آموزشی، فرهنگی و تربیتی، مربوط به اجرائیات دولت و مربوط به ادارات حقوقی و انتظامی قابل گزارش است (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۳ و ج ۲، ص ۶۰۹/اسحاقی، سیدحسین، گوهر عفاف، ص ۹۵).

لکن این نوع پیشنهادها نمی‌تواند به حل معضل کمک جدی و مؤثری کند و پوشش مناسب را به ارمغان آورد؛ زیرا بر مجموعه‌ای از اقدامات مفید تکیه کرده که فاقد منطق کافی برای بازطراحی، ارتقا، اصلاح روشمند، رعایت شرائط و مقتضیات ما و جهانی است و نیز فاقد استناد معتبر به اراده‌های الهی است و برای برخورد با ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی نگاهی فرایندی، جامع و با ثبات را به دنبال ندارد؛ از جمله:

۱. میان پوشش و عفاف نسبت تساوی برقرار شده است؛ در حالی که شاید به اصطلاح منطقیان نسبت میان این دو عموم و خصوص من وجه باشد: چه بسیارند افراد پوشیده‌ای که عفت جنسی دارند و چه بسا افراد ناپوشیده‌ای که عقیقند. افزون آنکه نسبت هنجارهای عقیقانه و پوشش اسلامی با دیگر هنجارهای ارزشی یا رفتاری روشن نیست.

۲. میان امر به معروف و نهی از منکر که مشروط به قدرت است و نیاز به اعتلای اجتماعی آمرین و ناهیان دارد و فرهنگ‌سازی که وظیفه‌ای تربیتی برای انتقال مفاهیم دینی و عناصر دینی به جامعه است درهم آمیختگی ایجاد شده است.

۳. به انواع روحیه‌های اخلاقی و اجتماعی و باورهای دینی مخاطبان توجه نشده و میان مراتب ایمان و رفتار هنجاری هر مرتبه رابطه برقرار نشده است.

۴. نسبت و تناسب و هماهنگی‌های لازم در توزیع مسئولیت‌های مربوط به حجاب بین افراد، خانواده، جامعه، نهادهای آموزشی، فرهنگی و تربیتی و دولت تدبیر نشده است.

۵. شاهد نشانیدن شیوه‌ها به جای روش هستیم. از شیوه‌های برخورد سخن گفته شده؛ اما روش مورد توجه قرار نگرفته است. روش، کاربست و انتظام شیوه‌ها و محتواها است. در موارد بالا از روش‌های تأثیرگذار بر انواع مخاطبان بحث نشده است. افزون آنکه شیوه‌های گفته‌شده به‌طور عمده، بر جلوگیری از بازگشت به بی‌عفتی استوار است و در نهایت، دعوت مردم به عفاف و پوشش متمرکز شده، اما سؤال این است که چگونه این ارزش در جامعه ماندگار شود و ضمانت‌های مناسب باقی ماندن فرهنگ عفاف تأمین گردد؟.

مسئله امروز کشور ما آن است که خط انتقال عناصر فرهنگی شامل مفاهیم، معارف، ارزش‌ها و رفتار دینی به چه صورت سامان یابد که نتایج ماندگار و حداکثر همراهی و استقبال گروه‌های هدف را با خود داشته باشد. این سؤالی است که این پژوهش درصدد پاسخ به آن برآمده است.

مطالعات و پژوهش‌های قرآنی به شکل‌هایی که داده‌های جدیدی را به ارمغان بیاورد، در صورت‌های مختلفی شکل گرفته است. یکی از این شیوه‌ها مطالعه معارف قرآن بر اساس ترتیب

نزول سوره‌های آن است. مطالعات تنزیلی قرآن در دو قالب ترتیبی و موضوعی سامان می‌یابد. در پژوهش حاضر با توجه به این که موضوع پوشش در یک آیه مطرح شده، ابتدا به روش تفسیر ترتیبی، یک آیه پژوهش شده و به سیاق آن توجه می‌شود و به روش موضوعی تنزیلی ارزش‌هایی که از بررسی سیاق به دست می‌آید، در بستر نزول مورد کنکاش و مطالعه قرار می‌گیرد. تتبع در قرآن برای این پژوهش بر اساس سیر نزول با این منطق صورت گرفته است که خدای متعال بر اساس حکمت، معارف و دستورات اسلامی را در زمان مناسب و با توجه به شرائطی که در جامعه هدف وجود داشته، نازل کرده است.

در قرآن به موضوع پوشش مؤمنانه توجه شده و مطالبی متناسب با هریک از گروه‌های مختلف مردم و در ساحت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی نازل شده است. در سیر نزول قرآن برخی از مفاهیم و احکام اسلامی وجود دارند که پیش از ورود به بحث پوشش مؤمنانه نازل شده‌اند و نقش مقدمه و آماده‌سازی مومنان برای پذیرش دستور به پوشش را داشته‌اند که در این پژوهش به این مؤلفه‌ها توجه شده است.

بر اساس آنچه که از سیاق آیه ۵۹ سوره احزاب و تأخر این آیه از آیات مربوط به انضباط خاص زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بیان ویژگی‌های جامعه مسلمانان در آیه ۳۵ به دست می‌آید. همچنین از رتبه نزولی سوره احزاب که در ردیف ۹۰ و در زمرة سُور مدنی است و جایگیری سوره نور در رتبه صدوسوم، سؤالاتی به شرح ذیل طرح می‌شود:

۱. رابطه آیه ۵۹ سوره که در آن حکم پوشش اسلامی بیان شده، با مباحث آیات ابتدایی سوره که درباره زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، چیست؟
۲. اگر بیان حکم پوشش اسلامی نیاز به ایجاد ظرفیت‌هایی در جامعه مؤمنان دارد، این ظرفیت‌ها چیست؟ شواهد آن در آیات قرآن کدام است؟
۳. آیا این ظرفیت مخصوص زنان است یا عموم جامعه را شامل می‌شود؟
۴. ظرفیت‌های مذکور چه نظامی دارند و با چه منطقی از قرآن استخراج می‌شوند؟
۵. نسبت مجموعه ظرفیت جامعه اسلامی با حکم آیه پوشش چیست و آیا تمام این ظرفیت‌ها و یا منتخبی از آن در صدور حکم پوشش دخالت داشته است؟
۶. وجود سوره احزاب بین سوره‌های مدنی و بیان حکم پوشش در فضای مدینه واجد چه پیام معرفتی است؟
۷. چرا خدای متعال در سوره‌های مکی درباره لزوم پوشش اسلامی بانوان سخن نگفت؟

۸. رابطه بین آیه ۵۹ سوره احزاب با سوره نور که صدوسومین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است، چیست؟

۹. اگر آیه سوره نور مربوط به پوشش است، چرا حکم پوشیدن زینت‌های درونی و نزدیک کردن روپوش‌ها بر بدن با این فاصله در قرآن مطرح شده است؟

برای دستیابی به ظرفیت‌ها و توسعه‌هایی که در جامعه درونی شده، لازم است مجموعه ویژگی‌های جامعه اسلامی که شخصیت وی را شکل داده و بر دوش آنها دستور پوشش اسلامی صادر شده شناخته شود. بدین منظور دو راه پیش رو داریم: ۱. تتبع ویژگی‌های فردی و اجتماعی مسلمانان از ابتدای سیر نزول تا زمان صدور حکم پوشش در آیه ۵۹ سوره احزاب؛ ۲. مطالعه بر اساس مهندسی معکوس و شناخت و بررسی اولین آیه‌ای که خدای متعال در آن به معرفی ویژگی‌های جامعه مسلمان پرداخته است؛ به خصوص که این ویژگی‌ها در سوره احزاب و به گونه‌ای باشد که نسبتش با مسئله پوشش اسلامی قابل توضیح باشد. با عنایت به وجود راه دوم در آیه ۳۵ سوره احزاب بر این روش تکیه می‌شود.

ب. آیات محوری ستر و پوشش اسلامی

پیش از بررسی موضوعی، ابتدا ضروری است آیاتی که صریح یا ظاهر در موضوع پژوهش هستند، استخراج شوند. سپس جایگاه ترتیب نزولی این آیات در سوره‌ها و کنایه‌ها و الفاظی که ناظر به مخاطبان آنهاست مورد مطالعه قرارگیرد و در نهایت به بررسی مفاد آیات با عنایت به ترتیب نزول آنها پرداخته شود.

سوره احزاب که نودمین سوره نازل شده بر رسول اکرم ﷺ است، نخستین سوره‌ای است که درباره پوشش سخن گفته است و پوشش بایسته زنان مسلمان در آن مطرح می‌شود. این سوره درباره دو گروه از زنان در دو دسته آیه سخن گفته است؛ دسته اول، آیات (۲۸-۳۵ و ۵۳-۵۵)، که مخصوص زنان پیامبر ﷺ است. در این آیات احکام اختصاصی رفت‌وآمد زنان پیامبر اکرم ﷺ، ممنوعیت ازدواج مؤمنان با آنها و کیفیت روابط عادی و متعارف با ایشان تشریح شده است. دسته دوم، آیات مربوط به احکام مشترک زنان مؤمنان است. در آیه ۵۹ حکم پوشش مشترک زنان، دختران پیامبر ﷺ و زنان مؤمنان، تشریح شده که این آیه در استنباط حکم پوشش اسلامی، صراحت دارد.

۱. آیات مربوط به پوشش زنان پیامبر ﷺ

اولین آیه مربوط به ستر، درباره زنان پیامبر اکرم ﷺ است. سوره احزاب با هدف استوارسازی پایه‌های رهبری و ولایت پیامبر اکرم ﷺ در جامعه اسلامی فرو آمده است. آیات سوره، شرط رهبری شایسته‌ای را که مؤمنان مأمور به اطاعت او هستند، بیان می‌کند. رهبر شایسته کسی است که بر عهد و میثاق خود با خدا استوار است؛ فقط از او پروا دارد، مطیع کافران و منافقان نمی‌شود و تابع وحی الهی است و بر خدا توکل می‌کند. رهبری شایسته امانت خدا بر مردم است و مؤمنان به هر قیمتی باید این امانت را حفظ کنند. به منظور عینیت بخشیدن به این هدف است که به جایگاه زنان پیامبر و تنظیم ارتباط دیگران با آنها پرداخته است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۰۶).

۶۱

فَرَّارٌ بِرُوحِهِ

خدای سبحان در آیات ابتدایی سوره از جایگاه زنان پیامبر ﷺ سخن می‌گوید و با معرفی آنها به‌عنوان مادران امت اسلامی: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...» (احزاب: ۶) جایگاه زنان پیامبر را در کنار آن حضرت در میان مسلمانان مشخص می‌کند. با این مقدمات و تأکید بر جایگاه متفاوت آنها از دیگر زنان مشروط به رعایت تقوا و خویش‌داری تکالیفی درباره لزوم رعایت حریم از مردان نامحرم در گفتار، کیفیت خروج از خانه‌ها، اجتناب از خودنمایی‌های دوره جاهلی بیان می‌دارد: «يُنْسَاءُ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا. وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا»؛

«ای زنان پیامبر! اگر پرهیزگاری ورزید همانند هیچ یک از زنان نیستید (بلکه برترید)؛ پس نرم سخن مگویید؛ مبادا آنکه بیمار دل است به طمع افتد و (نیز) سخن به شایستگی گوید و در خانه‌هایتان آرام گیرید و چون خویش‌آرایی دوره جاهلیت نخستین خویش‌آرایی نکنید و نماز بپا دارید و زکات پردازید و از خداوند و فرستاده او فرمانبرداری کنید جز این نیست که خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و شما را به شایستگی پاک گرداند و از آیات خداوند و حکمت آنچه را که در خانه‌های شما خوانده می‌شود یاد کنید، بی‌گمان خداوند نازل‌کننده آگاهی است» (احزاب: ۳۲-۳۴).

در آیات یادشده چند نکته مهم قابل توجه است:

۱. در توصیه به رعایت برخی احکام و حریم‌ها، طبقات مرجع اولویت دارند؛ «يُنْسَاءُ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ...» این گروه به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در امت اسلامی دارند؛ باید تکالیف

و انضباط‌های ویژه‌ای را در زندگی خود رعایت کنند؛ به گونه‌ای که پذیرش یا عدم قبول آن خط قرمز تداوم زندگی مشترک با پیامبر ﷺ و یا قطع آن به شمار می‌آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۷۵/ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۲۹۷).

۲. خدای متعال برای پذیرش این تکالیف ویژه، بارها از والایی و خطیر بودن جایگاه و شخصیت آنها یاد می‌کند. این مطلب نشان می‌دهد که نوازش شخصیت زنان و یادآوری جایگاه با ارزش ایشان و ایجاد حس شخصیت اجتماعی بالا، زمینه توجه تکالیف ویژه و ضوابط ممتاز و بیشتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۸۸۲).

۳. با توجه به مطالب پیش گفته، تقدم حریم‌های اختصاصی زنان طبقات مرجع (که در آیات پیش از آیه ۵۹ سوره آمده است)، بر دیگر زنان (که در آیه ۵۹ سوره آمده است) نشان می‌دهد زنان مؤمن در تکالیف اجتماع خود نیاز به یک گروه پیشرو دارند که نقش تسهیل‌کننده اقدام به امر پوشش و رعایت حریم‌ها را بر عهده بگیرند. این گروه در هر حال سهم بیشتری از حریم‌گیری‌ها دارند؛ حریم‌هایی که شاید هیچ‌گاه متوجه عموم مؤمنان نشود. به عبارت بهتر قانون و ضابطه پوشش بر زنان هنگامی تسهیل می‌شود که مشاهده کنند طبقات اجتماعی بالاتر یعنی زنان پیامبر ﷺ که نقش مادران امت را دارند، تکلیف و ضوابط سخت‌تری پذیرفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۳۲). از این رو ضابطه رفتاری مربوط به زنان پیامبر ﷺ مقدم بر حکم پوشش اسلامی زنان آمد. همچنین در آیه ۵۹ سوره احزاب که حکم پوشش زنان مؤمنان را تشریح کرد، زنان و دختران پیامبر ﷺ پیش از «نساء المؤمنین» نام برده شدند (بهجت‌پور، ۱۳۹۶، ص ۹۱).

۲. آیه ۵۹ احزاب تنها آیه پوشش عمومی زنان مسلمان

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا»؛ «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: از پوشش‌های بلندشان (چادر مانند) به خودشان نزدیک کنند، این [کار] برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند نزدیک‌تر است و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است» (احزاب: ۵۹).

بر اساس آیه شریفه چند نکته استنباط می‌شود:

۱. خطاب به استفاده از پوشش کامل و سرتاسری در عرصه اجتماع متوجه همه زنان مؤمنان شامل زنان و دختران پیامبر ﷺ و زنان مؤمنان است. در امر به پوشش اشتراک و تقدم زنان رهبران جامعه در انجام این تکلیف به‌طور خاص و جداگانه و به تفصیل (زنانت و دخترانت) قابل توجه است. (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۲)

۲. خطاب آیه متوجه مؤمنان است؛ یعنی شرافت ایمان موجب توجه دستور پوشش اسلامی به زنان شده است. از این رو می‌توان استفاده کرد که هر مقدار شخصیت ایمانی در جامعه بیشتر شود، آمادگی برای پذیرش حکم پوشش بالا می‌رود (بهجت‌پور، ۱۳۹۶، ص ۵۷).

۳. پوشش اسلامی، یونیفورم شخصیت ایمانی به شمار می‌رود؛ به این معنا که لیاقت خطاب به پوشش متوجه کافران، مشرکان، اعراب بادیه‌نشین و افرادی که از جامعه‌پذیری اسلامی فاصله دارند، نشده است. حتی برخی دوره‌ها از پوشش کنیزان منع می‌شد و از بادیه‌نشینانی که فرهنگ ایمانی پایدار و رشد یافته‌ای ندارند و شنوای توصیه و نهی از منکر نیستند، الزام برداشته شده است (ابن عاشور، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۹/آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۶۴).

۴. از عبارت « ذَالِكْ اُذْنِيْ اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُؤْذِيْنَ » استفاده می‌شود که پوشش اسلامی معرف شخصیت زنان مؤمن و خانواده‌های وابسته به ایشان است. معرفتی که موجب دفع آزار از زنان مسلمان می‌شود (زمخشری، ۱۳۶۶: ج ۳، ص ۵۶/فخر رازی، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۳۰). به همین جهت تا آنجا باید پوشش کامل شود که حقیقتاً معرف شخصیت زن مؤمن باشد. مطابق آیه زنان مؤمن با پوشش مخصوص، خود را معرفی می‌کنند و از دیگر صنوف زنان جدا می‌کنند. زن پوشیده، با شیوه پوشش خود - چنان که خواهد آمد - روشن می‌کند که مؤمن و باورمند به خدا، رستاخیز، رسول، قرآن و انبیا و کتاب‌های آسمانی و مجری با صداقت دستورات الهی، اهل نماز، صدقه، خشوع، دوری از آلودگی‌های جنسی و ذکر کثیر پروردگار است (احزاب: ۳۵) از این رو این شخصیت، پوشش را نه بار زندگی و نه زندان می‌داند؛ بلکه مصونیت می‌شمارد و پوشش کامل را افتخار می‌داند. بنابراین آیه باید پوشش اسلامی را به‌عنوان سند افتخار زنان مؤمن و کاشف از داشتن ظرفیت‌های والای ایمانی و ارزشی به حساب آورد؛ ظرفیتی که به میزان کم رنگ‌شدنش، پوشش اسلامی با چالش و معضل مواجه خواهد شد.

۳. پوشش اسلامی معرف شخصیت زنان و مردان مؤمن

خدای متعال از راه پوشش زن مسلمان، وی و اجتماعی را که او به آن وابسته است، معرفی می‌کند. این معرفی کمالاتی را در او می‌نمایاند که هرزگان را از او دور می‌کند. این تشخیص ایمانی برخلاف شخصیتی است که موجب جلب طمع هرزگان شود، تا به خود جرأت تعرض و آزار جنسی به کلام یا رفتار آلوده را بدهند. این شخصیت در برابر تشخیصی است که به دختران و زنان غیر مسلمان داده می‌شود. در این تشخیص زن را برای مردان جذاب می‌خواهند و زن هرچه زیباتر

آشکارتر می‌شود و بدن و جسم او در معرض طمع هوس بازان قرار می‌گیرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۳۴۹).

قرآن تشخص زن مؤمن را فقط مخصوص او نمی‌داند؛ احترام قرآن درباره پیامبر ﷺ و رهبران و آحاد اجتماع مؤمنانی است که زنان به آن وابسته‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۸۷).

۴. آیه ۳۵ احزاب و بیان ده مؤلفه و نسبت آن با آیه ۵۹

فرهنگ پوشش اسلامی تنها با صدور حکم پوشش پدید نیامد؛ بلکه به این منظور ابتدا زمینه و اسبابی فراهم شد تا امر پذیرش، درونی‌سازی و هنجارسازی پوشش اسلامی تسهیل شود. با استفاده از آیه احزاب، شناخته‌شدن زنان مؤمن فلسفه صدور دستور پوشش اسلامی تعریف می‌شود. پوشش اسلامی معرّف شخصیت زن مسلمان و خانواده و اجتماع او به شمار می‌آید؛ آن‌چنان‌که طمع هرزگان زن و مرد از زن مسلمان قطع شود. سؤال حاضر این است که چه نصابی از شخصیت اسلامی در اجتماع مؤمنان وجود داشت که پوشش زنان از آن پرده‌برداری می‌کرد؟ و زنان نیز با چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی احساس احترام و ایمنی می‌کنند تا به سمت پوششی آیند که معرّف ایشان باشد و این حکم را بپذیرا شوند؟

بنا بر رویکرد ترتیب نزولی قرآن می‌توان به این سؤال پاسخ گفت. پیش از سوره احزاب، ۸۹ سوره در مکه و مدینه نازل می‌شود که در تمام آنها برنامه دعوت به ایمان و مؤلفه‌های آن تعقیب شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۶۵). برای اطلاع از ظرفیت و مؤلفه‌های شخصیت ایمانی کافی است با مطالعه سوره یادشده و نیز آیاتی که در سوره احزاب پیش از آیه ۵۹ قرار گرفته، شخصیت مسلمانان موجود در اجتماع مؤمنی را که زنانشان احترام ایمانی پیدا کرده‌اند، شناسایی کرد.

بر پایه آیات قرآن مؤمن و اجتماع ایمانی از آغاز رسالت پیامبر و جریان نزول تدریجی قرآن به ویژگی‌هایی مؤمن شناخته شده و تدریجاً به کمالات ایمانی متعددی مزین شده است. البته این لیست بلند در صورتی باید مرجع کشف نصاب ایمان و شخصیت ایمانی شود که نتوان از راه دیگر به انتخاب بخشی از این ویژگی‌ها دست یافت. به تعبیر دیگر مؤلفه‌هایی که شخصیت ایمانی اجتماع مؤمن را می‌سازد، متعدد است. اگر قرینه‌ای پیدا نشود که نوع مخصوص و منتخبی از این مؤلفه‌ها را ظرفیت مورد نظر برای صدور حکم پوشش اسلامی معرفی کند، چاره‌ای نیست مگر آن که تمام این مؤلفه‌های مؤمنان را که در ۹۰ سوره پیش از سوره احزاب نازل شده‌اند، در حکم پوشش دخیل دانست؛ در این صورت لیست بسیار بلندی از ویژگی‌ها باید در کنار هم گذاشت که اثبات

ارتباط آنها با حکم پوشش و مقدمه بودنشان نیاز به بررسی‌های متعدد دارد. اما در سوره احزاب آن‌گاه که در قبال پیامبر و زنانش از اجتماع مطلوب و شکل‌یافته مسلمانان تا آن زمان یاد می‌شود و دستوراتی را به مردان مؤمن دربارهٔ زنان پیامبر و برخورد با آن حضرت بیان می‌دارد می‌توان به ده ویژگی رسید که خدای متعال جامعه مسلمان را به وسیلهٔ آنها معرفی کرده است. این آیه به ده صفت اجتماع مؤمن اشاره می‌کند که در صورت بررسی و تشخیص رابطه آنها با پوشش، پذیرش حکم پوشش آسان می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۶، ص ۹۴).

بهترین آیه‌ای که نصاب درونی شده برای خطاب پوشش اسلامی را بیان کرده، آیه ۳۵ سوره احزاب است. آنجا که از مجموعه مشمول رحمت الهی یاد می‌کند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَشِيعِينَ وَالْخَشِيعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِعِينَ وَالصَّانِعَاتِ وَالْحَفِظِينَ وَالْحَفِظَاتِ وَالْمُذَكِّرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَالْمَذَكِّرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ «بی‌گمان خداوند برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان فرمانبردار و مردان و زنان راست‌گفتار و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان فرمانبردار و مردان و زنان بخشنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خداوند را بسیار یاد می‌کنند، آمرزش و پاداشی سترگ آماده کرده است».

این آیه پس از بیان حکم مخصوص به انضباط رفتاری زنان پیامبر ﷺ با دیگران و پیش از آیه پوشش زنان مؤمن (آیه ۵۹) نازل شده است. آیه ده ویژگی جامعه مطلوب اسلامی تا آن زمان را مشخص کرد و زنان و مردان را در این ویژگی‌های ارزشی مشترک دانست: ۱. مسلمانی؛ ۲. ایمان؛ ۳. فرمانبرداری؛ ۴. تصدیق نیکی‌ها؛ ۵. شکیبایی؛ ۶. خشوع و افتادگی و تواضع در برابر پروردگار؛ ۷. صدقه و انفاق به نیازمندان؛ ۸. روزه داری؛ ۹. پاکدامنی؛ ۱۰. ذکر فراوان خدای متعال.

این صفات به تدریج در طول سال‌ها نزول قرآن در مکه و مدینه با نزول تدریجی آیات مطرح و با تدبیر و تلاش پیامبر اکرم ﷺ که مربی مردم بود (ابراهیم: ۲/ جمعه: ۲) در جامعه همراه با پیامبر ﷺ درونی شد. عمده این موارد در سوره مکی و برخی از آنها چون روزه‌داری قطعاً در مدینه حاصل شده بود. از این رو برای تحقق جامعه متشخص ایمانی که زنانش حکم پوشش را پذیرا باشند باید این صفات در بین مؤمنان درونی شده باشد.

نکته بسیار مهم نقش مردان مؤمن است. از خطاب آیه ۵۹ احزاب که دربارهٔ پوشش زنان مؤمن است استفاده می‌شود که مردانی مثل پیامبر ﷺ و مؤمنان نیز در حمایت از اجرای حکم پوشش

دخالت دارند. اگر چنین نبود انتساب زنان به ایشان در آیه ۵۹ احزاب (نساء المومنین) معنا نداشت؛ بلکه باید می فرمود: ای زنان مؤمنه! نکته دیگر آنکه نصاب ویژگی های ده گانه بالا شامل زن و مرد جامعه ایمانی شده است (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱، ص ۲۵۳)؛ یعنی در جامعه ای که زن و مردش به طور عموم واجد این نصاب ایمانی باشند، حکم پوشش زنان درونی سازی خواهد شد. برای بیان حکم پوشش زنان و ارزش گزاری و هنجارسازی پوشش اسلامی ابتدا باید در جامعه ایمانی قابلیت های ده گانه ایجاد شده باشد و با درونی شدنشان تشخیص اسلامی و ایمانی پدید آمده باشد.

اینکه حکم پوشش در سور مدنی از سوره احزاب شروع می شود و پس از نزول سه سوره مهم اجتماعی یعنی بقره، انفال، آل عمران حکم پوشش اسلامی بیان می شود، نشان می دهد که یک ظرفیت اجتماعی ایمانی هم باید به فضای حاکم در مدینه اضافه می شد تا زمینه اجرای فلسفه حکم پوشش اسلامی فراهم شود. آیه ۳۵ سوره احزاب در پاسخ به پرسش از شخصیت ایمانی مردمی است که خداوند متعال در آیه ۵۹ این سوره حکم پوشش را متوجه ایشان کرده و از فلسفه حکم پوشش برای ایشان سخن گفته است (بهجت پور، ۱۳۹۶، ص ۵۴).

بر این اساس جامعه ای پذیرای حکم پوشش می شود و فرهنگ پوشش زمانی ممکن می شود که قبلا احکام و ارزش های دیگر تبدیل به هنجار شده باشد. تا زمانی که آنها هنجار نشوند حکم پوشش پذیرفته نمی شود. نکته مهم آن که تمام ده شاخصی که در آیه ۳۵ سوره احزاب بیان شد، مقدماتی برای پذیرش حکم پوشش است. تا این صفات هنجار مردم مؤمن نشود قانون پوشش درونی سازی نمی شود و پذیرش هایی از سر ترس از قانون و همراه با احساس تکلیف خواهد بود (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۰).

شرح اجمالی مؤلفه ها

ترتیب مؤلفه ها و چگونگی تقدم و تاخر آنها را جهت تشکیل تشخیص جامعه ایمانی از ترتیب قرارگرفتن ده صفت جامعه ایمانی در آیه ۳۵ سوره احزاب استنباط کرد؛ اما اینکه چگونه هر یک از مؤلفه های ده گانه اجتماعی می شود و در نصاب قابل قبول پذیرفته می گردد، از پیگیری مسیر نزول سور روشن می شود. هر یک از شاخص های اجتماع مؤمنان در فرآیندی حکیمانه و موافق با ظرفیت های انسان نازل شد، تا تشخیص جامعه ایمانی را تشکیل دهد. در این تشخیص چنان که در آیه شریفه نیز خطابات به صورت مذکر و مؤنث وارد شده است، زن و مرد اجتماع مسئول و موضوع تکلیفند. روش قرآن این گونه نیست که در نهادینه شدن پوشش در جامعه تنها به تکلیف زنان توجه

نموده باشد و مردان را از این موضوع فارغ بدانند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَشِيعَةَ وَالْخَشِيعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِعِينَ وَالصَّانِعَاتِ وَالْحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَفِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ بی گمان خداوند برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان فرمانبردار و مردان و زنان بخشنده و مردان و زنان روزهدار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خداوند را بسیار یاد می کنند، آمرزش و پاداشی سترگ آماده کرده است».

بررسی سیر فرآیندی اجتماعی شدن هر یک از مؤلفه‌های ده گانه پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ لکن به اجمال می‌توان گفت که این مؤلفه‌ها در سه حوزه بینشی، گرایش و رفتاری قابل تقسیم و بررسی است. همچنین این صفات مترتب بر یکدیگر و همراه با هم در طی مسیر لازمند. میزان هنجارشده ده شاخص یادشده، خود دارای مراتبی از پایین تا متوسط و عالی است. منظور از نصاب تشخیص به این ویژگی‌ها، نصابی به مقدار درجه عموم مؤمنان است. بنابراین منظور از ایمان، ایمانی در مرتبه ایمان ابراهیم علیه السلام یا مراد از صدقه سبک زندگی سخاوتمندانه‌ای به قدر سخاوت امام حسن مجتبی علیه السلام نیست؛ لکن تا این ده مؤلفه و شاخص به صورت هنجار و نهادینه شده در زندگی اجتماعی مسلمانان در نیامده باشند، نمی‌توان انتظار پذیرش و هنجارسازی پوشش در جامعه را داشت هر چند مقدار التزام به این صفات در تساهل و جدیت در امر پوشش مؤثر است.

۵. نسبت آیه ۵۹ احزاب با آیه ۳۱ نور

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَا يُضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «به مردان مؤمن بگو دیدگان فرو دارند و شرمگاه‌های خود را (از نگاه دیگران) حفظ کنند، این برای آنان پاکتر است، بی گمان خداوند از آنچه می‌کنند آگاه است. و به زنان مؤمن بگو دیدگان فرو دارند و شرمگاه‌های خود را حفظ کنند و زیور خود را آشکار نگردانند مگر آنچه از آن، که خود پیداست و باید روسری‌هایشان را بر گریبان خویش افکنند و زیور خود را آشکار نگردانند جز بر شوهرانشان یا

پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (هم‌آیین‌شان) یا کنیزهاشان یا مردان وابسته‌ای که نیاز به زن (ندارند یا کودکانی که از شرمگاه‌های زنان آگاهی ندارند و چنان‌پا نکوبند که آنچه از زیورشان پوشیده می‌دارند آشکار گردد و همگان ای مؤمنان! به درگاه خداوند توبه کنید، باشد که رستگار گردید)» (نور: ۳۰-۳۱).^۱

این آیه در سوره‌ای که بر مدار بیان احکام مربوط به عفاف و پاکدامنی است، نازل شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۳۵۴). پس از آنکه جامعه به هنجار پاکدامنی دست یافت در این سوره حداقل نه دستورالعمل برای صیانت از پاکدامنی جامعه گفته شده است. از جمله در دو آیه فوق کنترل نگاه، پوشاندن شرمگاه‌ها و توصیه به پوشش کامل تر زنان مؤمن و اظهارنکردن زینت‌های درونی بیان شد. این دستورات در رابطه با پوشش اسلامی و فلسفه آن نیست؛ بلکه به منظور صیانت از پاکدامنی جامعه ایمانی است؛ زنان با پوشیدن لباس سراسری و نزدیک کردن جلباب به خود زن پوشیده مسلمان بودند. با این لباس طمع هرزگان را قطع می‌کردند؛ ولی جامعه زنان و مردان باید از مرزهای عفت و پاکدامنی مراقبت می‌کردند و صیانت از این مرزها به اقداماتی بسته بود از جمله کنترل چشم، پوشاندن شرمگاه‌ها در مکان‌های تخرلی و استحمام و نظائر آن و پوشاندن زینت‌هایی که در بخش پنهان اندام قرار داشت، مثل صدای خلخال، گردنبندها، زینت‌هایی که به لباس‌های زیر جلباب آویزان بود و یا بر آنها قرار داشت. از این رو پوشش اسلامی برای صیانت از زنان مسلمان از راه شناخته‌شدن به ایمان و کمالات ایمانی مذکور در آیه ۳۹ احزاب است؛ اما پوشاندن زینت‌های گردن و باطن بدن و عدم اظهار آنها برای صیانت جامعه پاکدامن و تداوم هنجار پاکدامنی اجتماع مسلمان است. بنابراین، این آیات ربط مستقیم با پوشش ندارند؛ بلکه موافق سیر نزول حکمی پس از دستور به پوشش می‌باشد. مردان و زنان جامعه اسلامی چه با پوشش و یا غیر پوشش اسلامی نباید به گونه‌ای رفتار کنند که عفت عمومی جامعه در خطر افتد.

در این آیات اولین دستور به مردان مؤمن است. به آنها فرمان می‌دهد تا نگاه خود را بشکنند. «یغضوا» از ماده «غض» در اصل به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود؛ کلمه «غض» به معنای روی هم نهادن پلک‌های چشم است و ترکیب آن با چشم‌ها به معنای اجتناب از نظر دوختن و خیره‌شدن به دیگری است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۲۳۵).

۱. در مورد آیه نور و ارتباط آن به بحث حجاب و عفاف در دو اثر عبدالکریم بهجت‌پور بحث شده است.

در اینکه هنگام نگاه به چه چیزی باید نگاه را شکست، چند احتمال وجود دارد: ۱. شکستن نگاه هنگام مشاهده مواضع جانز نامحرم مثل صورت و دست‌ها تا میچ زنان؛ ۲. هنگام مشاهده مواضع دیگری از زنان که باید پوشیده شود مثل پاها، دست‌ها و شکم و حتی شرمگاه آنها که حیانا آشکار شده است؛ ۳. نگاه به شرمگاه مردان دیگری که در مواقعی مثل استحمام و نظائر آن شاید آشکار شود. اطلاق آیه شامل هر سه مورد می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۱).

در روایات وارد شده است که مراد از حفظ فرج در اینجا عبارت است از اینکه مؤمن به گونه‌ای آن را بپوشاند که شرمگاه او دیده نشود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۸۸). برخی نیز آن را به معنای نگهداری از زنا دانسته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد حکم اجتناب مؤمنان از زنا در سوره‌های پیشین حتی در سور مکی گذشته است و آنچه در این آیه مطرح است حفظ شرمگاه از نگاه دیگران است. در این باره امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده‌اند: هر موردی که در قرآن کلمه «فرج» آمده است مراد زناست، مگر در این آیه که مراد حفظ از نگاه به شرمگاه است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۹۰). بنابراین آیه به موارد گوناگونی از حفظ و نگهداری چشم و شرمگاه اشاره دارد؛ مواردی که مقدمه دوری از آلودگی‌های جنسی است و به تطهیر چهره جامعه مؤمنین از آلودگی‌ها کمک می‌کند.

بر اساس آیه، زنان نیز همچون مردان مأمورند تا نگاه خود را از عورت دیگر زنان، نگاه به مواضعی از مردان یا زنان که محرک آنهاست بشکنند. افزون بر آن دستور دارند تا زینت‌های خود را از نامحرمان بپوشانند؛ مگر آن مواردی که به زینت‌های آشکار (مانند: جامه‌های رو، انگشتر و سرمه) شناخته می‌شوند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۸۳).

مراد از زینت‌ها «زینت آلات» است؛ از آن‌جا که در گذشته (سوره احزاب: ۳۷) به پوشش زنان با لباس‌های بلند و سرتاسری دستور صادر شده بود، روشن است که تذکر به پوشش زینت‌ها از آن باب است که زنان به گونه‌ای لباس رسمی بپوشند که زینت‌های باطنی ایشان معلوم نشود؛ بنابراین زنان اجازه ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است، آشکار سازند. در روایات متعددی که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده زینت باطن را به گردن‌بند، بازوبند و خلخال تفسیر شده و در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر، انگشتر و سرمه و مانند آن است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۹۳).

«جلایب» جمع «جلباب» به معنی پیراهن‌ها و روپوش‌های سر و چهره یا مقنعه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۰۱). جلباب لباسی وسیعتر از چارقد و کوچکتر از عبا بود که زن به وسیله آن، سر و سینه خود را می‌پوشاند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق،

ج ۲، ص ۲۱۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲). جلباب لباس بلندی است که زنان بر روی لباس های خود می پوشند و با آن اندام و آرایش و زینت های خود را می پوشانند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲). یکی از فواید پوشاندن بدن با لباس های بلند این است که کسی نتواند لباس هایی که زن بر تن دارد و غالبا دارای زینت زنانه هستند، ببیند؛ زیرا ممکن است آشکار شدن آن لباس ها برای دیگران، شایسته نباشد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۱۰).

«خُمُر» جمع خمار یعنی روسری در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولا به چیزی گفته می شود که زنان با آن سر خود را می پوشانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۳۸). «جیوب» جمع جیب به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۸۵).

زنان مسلمان پیش از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه ها یا پشت سر می افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها و زینت های مربوط به این ناحیه مثل گردنبند و گوشواره ها نمایان می شد، مثل اینکه هم اکنون زنان چادر بپوشند اما روسری بر سر نداشته باشند. یا روسری های خود را رها و آزاد بر سر کرده باشند. از این رو دستور یافتند تا روسری های خود را به گونه ای استفاده کنند تا این مواضع پوشیده شود (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۲۶).

فلسفه تکلیف اختصاصی زنان به نکو بیدن پا جهت آشکار شدن صدای خلخال ایشان، به کمال و جمال ودیعت نهاده در زنان برمی گردد. زنان واجد لطافت هایی در اندام و کمال و رشدی در استفاده از زینت آلات هستند (زخرف: ۱۹) که در صورت رعایت نکردن برخی محدودیت ها برای ایجاد هرج و مرج در جنس مخالف و کشش آنها به رفتار کام خواهانه کافی است؛ از این رو حتی صدای زینتی که به پا بسته اند، می تواند شرائط متعارف رفتاری در جامعه را به هم زند و اسباب شکستن هنجارهای اخلاقی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۱).

آیات یاد شده ظهور و یا صراحتی در مسئله پوشش اسلامی ندارد. آیه مربوط به پوشش زینت ها و اندام پوشیده زنان می باشد به رغم پوشیدگی بخشی از زینت های زنان می توانست محرک نامحرمان باشد. آیه هدف کنترل رفتار هنجارشکنانه و استمرار پاکدامنی جامعه از سوی زنان مسلمان نازل شده است. به عبارت روشن تر بحث پوشش اسلامی با آیه ۵۹ سوره احزاب به پایان رسید و هدف آن نیز صیانت زنان مؤمن از آزار بود. اما آیات ۳۰-۳۱ سوره نور به منظور صیانت پاکدامنی جامعه مؤمن از خطر جذائیت های باطنی زنان مؤمن است.

نتیجه‌گیری

تمرکز بر حل مسئله پوشش اسلامی در جامعه بر محور مؤلفه‌های زمینه‌ساز به‌جای خود پوشش اسلامی از دستاوردهای این پژوهش است. این مسئله پژوهشی با روشی جدید با استفاده از سبک تحلیل تنزیلی و با بهره‌گیری از قاعده‌سیاق مسئله، مؤلفه‌های زیرساختی پوشش در جامعه بررسی و تحلیل شد و دست‌یافته آن به شرح ذیل است.

۱. پوشش اسلامی، معرفی شخصیت اسلامی جامعه مسلمان و نماد تشخیص ایشان است. برای مهیاسازی زیرساخت‌های لازم جهت پوشش مدارشدن باید بر تحقق مؤلفه‌های ده‌گانه گفته‌شده در آیه ۳۵ سوره احزاب در جامعه اسلامی تمرکز کرد.

۲. از آنجا که حکم پوشش اسلامی حکمی تنزیلی برای زنان است، نیاز به زمینه‌سازی لازم دارد و زمینه آن انضباط شدیدتر زنان پیامبر بر دیگر زنان مسلمان است که در آیات پیش از ۵۹ سوره احزاب آمده است. و به همین جهت در اصل صدور حکم پوشش زنان پیامبر و دختران آن حضرت در حکم پوشش مقدم بر زنان مسلمانان شده‌اند.

۳. پوشش اسلامی بر پایه نزدیک‌ساختن جلباب یعنی لباس سراسری زنان به خود در سوره احزاب (نزول در رتبه ۹۰) و حکم پوشش زینت‌ها در سوره نور (نزول در رتبه ۱۰۲) روشن می‌کند که جلباب پوششی سراسری اما مثل عبا که جلوی آن باز بوده است و مانع پوشیده‌شدن زینت‌ها و گردن و روسری‌ها نمی‌شده است. از این رو برای رعایت عفت عمومی حاصل از تربیت‌های قرآنی، دستور به پوشش زینت‌ها داده شده است.

بنابراین، دستور صادرشده در سوره نور از جنس نهی از منکر و ناهنجاری قلمداد می‌شود که در سابق فرهنگ‌سازی و هنجارسازی آن صورت گرفته است.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسة التاريخ، بی تا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. احمد بن فارس، معجم مقایس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. بهجت پور، عبدالکریم، شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، قم: مؤسسه تمهید، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۶. جزیری عبدالرحمن، الفقه و المذاهب، دارالثقلین، بيروت: ۱۱۴۰ق
۷. خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، قم: نشر روح، ۱۳۷۸.
۸. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، کلیاتی درباره فرهنگ عمومی، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۷۳.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. زمخشری، محمود، الکشاف، قم: نشر ادب حوزه، ۱۳۶۶.
۱۱. شفیعی سروستانی، ابراهیم، حجاب؛ مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۵۸.
۱۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، سید احمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۴. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، ج ۱۱، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۴، قم: نشر اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

۱۶. فتاحی اردکانی محسن، عفاف و گستره زندگی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
۱۷. فخررازی، ابوعبدالله، التفسیر الکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، بی تا.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۹. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک لطباعه و النشر، ۱۴۱۹ق.
۲۰. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، ج ۱۶، تهران: دار محیی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۲۱. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: فرهنگ نما، ۱۳۸۷.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
۲۴. ناظمی اردکانی، مهدی، مهندسی فرهنگی کشور، تهران: ساقی، ۱۳۹۴.